

# من و کلاس سواد رسانه‌ای

رویا صدر  
تصویرگر: سام سلماسی

می‌دانم که تجربه من در تدریس سواد رسانه‌ای ممکن است با تجارب بسیاری از همکاران فرق داشته باشد ولی محض مقاله نوشتن برای رشد مدرسه فردا هم که شده، تصمیم گرفتم تجربه‌هایم را با شما در میان بگذارم.

بودند؟ از آنها خواستم تا بر اساس آنچه در کتاب سواد رسانه‌ای خوانده بودند، پطروس را از زاویه مادی گرایی و معنویت گرایی و پایبندی به ارزش‌های خانواده ارزیابی کنند. کلاس پررفت و آمد و پرهیجان شده بود. بچه‌ها همه در فضای رسانه غوطه‌ور بودند، برخی با بحث در کلاس و برخی با وررفتن با گجت‌هایی که سر کلاس آورده بودند. برخی سؤال می‌کردند که متن و زیرمتن و رومتن همبرگر دویل چیست و برخی دیگر احتمال می‌دادند که چندلایه بودن خبرها و عمق پیام‌های رسانه‌ای با حجم مواد داخل همبرگر اعم از خیارشور و گوجه فرنگی نسبت مستقیم داشته باشد. برخی نیز گوجه فرنگی را مصداق رسانه‌های غربی می‌دانستند و کاهو را توصیه می‌کردند. از آنها خواستم به سؤالات زیر پاسخ دهند:

- امکان آن را که خبرسان خواسته سوبای اضافی قاطی متن کنند بررسی کنید.

- امروزه کدام رسانه‌ها را بیشتر دوست دارید و از آن استفاده می‌کنید؟

- همسایه‌تان چطور؟

- راست بگو، ماهواره داری؟ خجالت بکش.

- چه مفاهیم و موضوعاتی به شیوه مستقیم و غیرمستقیم در ماجرای پطروس و سد منتقل شده است؟

- آیا در پاسخ به این سؤال‌ها از ابتدای کلاس تا به حال تغییری در شما ایجاد شده است؟

- اگر آری که باریکلا اگر خیر، شما بیخود می‌کنی سر کلاس اونجوری می‌شین.

\* یاد می‌آید روزی از بچه‌ها خواستم با راهنمایی معلم و اجازه مدیر و اجازه نامه منطقه و موافقت معلم پرورشی و اجازه خانواده‌ها یک فیلم سینمایی داخلی را انتخاب کنند، از یک مخاطب منفعل به صورت مخاطب فعال درآیند، در جمع گرم مدیر و معاون مدرسه و مربی پرورشی فیلم را تجزیه و تحلیل



\* یاد می‌آید که برای درس روش همبرگری (که تولیدات رسانه‌ای را به ساندویچ همبرگر تشبیه می‌کند) پطروس فداکار را موضوع قرار دادم. از بچه‌ها خواستم تحقیق کنند متن و زیرمتن و داخل متن و اینورانونور متن پطروس با استفاده از روش همبرگری چیست؟ آن‌ها می‌خواستند بدانند که انگشتان پطروس چند میلی‌متر متورم شده و آیا پماد پیروکسیکام برای مواردی که آدم انگشت را می‌کند توی سوراخ سد، مؤثر است یا خیر؟ از بچه‌ها خواستم که از اظهار نظرهای بیجا اکیدا خودداری فرمایند و در رابطه با این ماجرا بر سواد رسانه‌ای تمرکز کنند. برخی نگران بودند که پطروس با درد انگشتش چطور می‌توانسته از تلفن همراهش استفاده کند و سواد رسانه‌ای خود را بدین وسیله بالا ببرد. برخی اظهار داشتند که اگر پطروس سواد رسانه‌ای داشت، عکس سلفی از خودش می‌فرستاد تا حرفش را باور کنیم یا لااقل پیامک می‌زد. گفتم اگر در زمان پطروس بودید چکار می‌کردید؟ آیا فکر نمی‌کنید پدر و مادرش پای ماهواره نشسته بودند و از سرنوشت فرزندشان غفلت ورزیده



کنند و به سؤالات زیر پاسخ گویند:

- معلم ها در این آثار چگونه بازنمایی شده اند؟ آیا شما هم مثل سازندگان فیلم های خودمان معتقدید معلمان آدم های دلسوز و مهربان و باسواد و زحمت کش و باحالی هستند؟
- شما درست رو خوندی که نشستی تماشای فیلم؟
- کی بهت اجازه داده این فیلمو ببینی؟

\* درباره بحث رژیم رسانه ای از یک کارشناس تغذیه رسانه ای دعوت کردم. موارد مورد اشاره او این ها بودند:

- پیام رسانه ای هر چقدر بی مزه تر و تلخ تر باشد، مفیدتر و هر چقدر شیرین تر و چرب و نرم تر باشد، مضرتر است.
- قبل از خواب به دیدن فیلم ها و سریال های سبک اکتفا کنید.
- وعده های استفاده از رسانه ها را زیاد کنید و در هر وعده، حجم کمی مواد رسانه ای استفاده کنید.
- از محصولات رسانه ای استفاده کنید که هفت خان مجوز ساخت را پشت سر گذاشته باشد. استفاده از محصولات رسانه ای بدون مجوز ممنوع!
- در دید و بازدید با خویشاوندان و آشنایان مواظب رژیم رسانه ای خود باشید و در برابر اصرار میزبان که «شما که هیچی رسانه استفاده نکردی»، بگویید: «تفاقا» چند برابر همیشه دیدم، دستتون درد نکنه، خیلی زحمت کشیده بودید... اگر باز هم اصرار کرد، بگویید که رژیم رسانه ای دارید و در برابر نگاه مات او، اضافه کنید که «بروید کتاب سواد رسانه ای رو بخونید...».

- بعد از دیدن هر فیلم و سریال سنگین حداقل یک ساعت در طبیعت با خانواده به گشت و گذار بپردازید و یا هالتر بزنید.
- هر گونه محصولات رسانه ای را از دسترس فرزندان تا دور نگه دارید. اگر از شما آن را تقاضا کردند، بگویید «الان رسانه آماده می شه... شب، همه با هم می شینیم رسانه استفاده می کنیم...».

- رسانه های طبیعی و فناوری نشده از قبیل دود



و فریاد را در برنامه استفاده روزانه

خود و خانواده تان بگنجانید.

- جدولی برای میزان مصرف رسانه ای خود در طول هفته طراحی کنید و آن را کنار تلفن همراهتان قرار دهید تا ۲۴ ساعته در دسترس باشد!...

\* در درس آینده فناوری، ساعتی را به این بحث اختصاص دادم که با توجه به اوضاع کنونی فناوری، آینده فیزیولوژیک بشریت چگونه خواهد بود. بچه ها با توجه به گستردگی استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات، جهش های ژنتیک و فیزیولوژیک و سوسیولوژیک و فنومنولوژیک زیر را برای بشریت در آینده پیش بینی کردند:

- انگشتان دست (به خصوص در ناحیه شست) و عضلات چشم، در عصر رایانه، بیشترین جهش های ژنتیک را خواهند داشت.

- تارهای صوتی به مرور کارایی خود را از دست می دهند و جزو اعضای تشریفاتی بدن در می آیند. همچنین، حرف زدن آدم ها با هم، جزو عادات عصر دایناسورها تلقی می شود!

- ساعات خواب فیزیولوژیک نوع بشر جای خود را به ساعات خواب تکنولوژیک می دهد که بسته به ارزانی و گرانی ساعات استفاده از اینترنت و شلوغی و خلوتی خطوط در ساعات مختلف، به طور اتوماتیک تنظیم می شود.

- پرده صماخ، حساسیت خود را در برابر تحریکات خارجی، از دست می دهد و در برابر عباراتی مثل: «پاشو شامتو بخور»، «اون رایانه رو خاموش کن، برو سر درسات» و «چند ساعته که نشستی پای رایانه؟»، شدیداً مقاوم می شود.

تعریف موجود در روابط انسانی از بیخ دگرگون خواهد شد؛ مثلاً:

خانواده: محیطی بسته که در آن چند تا آدم در حال وررفتن به تلویزیون و رایانه، می خورند و می خوابند.

دوستی و رابطه: ارتباطی که در چهار چوب فناوری اطلاعات مفهوم دارد؛ نظیر:

مادر: دیروز با کی بودی؟

فرزند: با گرافیک ۵۱۲ و رم ۲۴۱۰ بودم...